



عبور دانشی آموزان بالودر از رودخانه در بابل

دانشی آموزان مدرسه ابتدایی شاهرضا در بخش بندپی شرقی شهرستان بابل ایسن روزها با سوار شدن بر بیسل مکانیکی از رودخانه عبور و در کلاس درس شرکت می‌کنند.
به گزارش «ایرنا»، مدرسه شاهرضا که در روستایی به همین نام واقع است، دانش آموزان روستاهای بلکرون، سنگریزان،شالیکش و فرارودبار را زیر پوشش تحصیلی دارد. جعفر آقاچان نتاج، معاون عمرانی و برنامه‌ریزی فرماندار بابل با تأیید تخریب پل ساخته شده روی رودخانه و عبور دادن دانش آموزان با بیسل مکانیکی برای رفتن به مدرسه گفت:ساخت پل در مسیر بندپی شرقی و پایلکنار روی این رودخانه از سال‌ها پیش آغاز شده و به دلایلی هنوز به بهره‌برداری نرسیده‌است وی ادامه داد: با فو رکش کردن آب، دانش آموزان از داخل رودخانه عبور می‌کنند، ولی شب گذشته بازم با بارش باران، آب بستر رودخانه را پر کرد و تردد از داخل آب هم برای دانش آموزان امکان پذیر نبود.



رهایمی گروگان ۱۳ ساله از دست ۲۲دمریا

دو مرد آدمریا که برای اخاذی یک میلیارد تومانی پسر ۱۳ساله‌ای را ربوده بودند به دام پلیس افتادند.
دو روز قبل بود که مأموران پلیس آگاهی زاهدان از ماجرای ربودن پسر ۱۳ ساله‌ای با خبر شدند. اعضای خانواده این کودک که پلیس گفتند مرد ناشناسی با ما تماس گرفت و مدعی شد که پسرمان را ربوده و در قبال آزادی او در خواست یک میلیارد تومان پول نقد کرده است. بعد از اولین تحقیقات،اعضای خانواده این کودک تحت آموزش‌های پلیس قرار گرفتند و کار آگاهان دو ساعت بعد موفق شدند یکی از دو متهم را بازداشت کنند. وی که از مجرمان سابقه‌دار بود، به آدمربایی با همدستی یکی از دوستانش اقرار کرد.باشناسی‌هایی که متهم در اختیار پلیس گذاشت، کار آگاهان موفق شدند گروگان نوجوان را آزاد و دومین آدمربا را با بازداشت کنند. سرهنگ برابهیم مالشاهی، رئیس پلیس آگاهی سیستمات و بلوچستان گفت: دو متهم بعد از اقرار در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

امید ۶ بیمار به ادامه زندگی
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>اعضای بدن زن و مردی که در جریان دو حادثه جداگانه رانندگی به مرگ مغزی مبتلا شده بودند، در بیمارستان رازی رشت به بیماران اهدا شد. زلیخا حسین‌زاده ۳۵ ساله کوچکفغانی هفته گذشته در جریان حادثه رانندگی دچار مرگ مغزی شده بود. دیگر اهدا کننده عضو، وحید بیرامی جوان ۲۳ ساله تکلیبی بود که او هم هفته گذشته در جریان حادثه رانندگی دچار مرگ مغزی شد. کلیه و کبدهای این زن و مرد به شش بیمار نیازمند اهدا شد.</div>

آگهی ابلاغ دادنامه
نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۴۰۰۰۰۲۰۱۳۹۲۰۲۳۳۴ شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه آقای حسین خندانی فرزند مرتضی به اتهام قاچاق کالا بر اساس دادنامه شماره ۲۲۳۵۱۳۹۳۰۰۰۲۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ و پرداخت مبلغ ۲۸۵/۶۰۰/۳۸۳ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است و در حال حاضر مجهول‌المکان میباشد لذا مراتب یک نوبت در جراید کنیروالانتشار چاپ میگردد تا چنانچه محکوم علیه نسبت به دادنامه اصداری اعتراض دارد لایحه اعتراضیه خود را تکمیل و حداکثر بمدت یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی در تجدیدنظر خواهی به دفتر این شعبه تقدیم در غیر اینصورت رای صادره قطعی و لازم الاجرا میگردد .
م/الف ۵/۱۳۱ - شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه

آگهی ابلاغ دادنامه
نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۲۶۰۰۰۰۲۳۳۴۳۳۹۲۰ شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه آقای علی ایزدی فرزند محمد به اتهام قاچاق کالا بر اساس دادنامه حضوری شماره ۲۲۳۵۱۳۹۳۰۰۰۲۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ و ضبط کالا و پرداخت مبلغ ۲۸۳/۲۷۷/۲۸۳ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است و در حال حاضر مجهول‌المکان میباشد لذا مراتب یک نوبت در جراید کنیروالانتشار چاپ میگردد تا چنانچه محکوم علیه نسبت به دادنامه اصداری اعتراض دارد لایحه اعتراضیه خود را تکمیل و حداکثر بمدت یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی در تجدیدنظر خواهی به دفتر این شعبه تقدیم در غیر اینصورت رای صادره قطعی و لازم الاجرا میگردد .
م/الف ۵/۱۳۰ - شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه

آگهی ابلاغ دادنامه
نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۲۳۰۰۰۰۱۰۰۰۲۳۳۴۳۳۹۲۰ شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه آقای مجید صادقی حسنوند فرزند معنا به اتهام قاچاق کالا بر اساس دادنامه شماره ۲۲۳۵۱۳۹۳۰۰۰۱۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۰ و ضبط کالا و پرداخت مبلغ ۱۷/۵۹۰/۴۶۰ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است و در حال حاضر مجهول‌المکان میباشد لذا مراتب یک نوبت در جراید کنیروالانتشار چاپ میگردد تا چنانچه محکوم علیه نسبت به دادنامه اصداری اعتراض دارد لایحه اعتراضیه خود را تکمیل و حداکثر بمدت یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی در تجدیدنظر خواهی به دفتر این شعبه تقدیم در غیر اینصورت رای صادره قطعی و لازم الاجرا میگردد .
م/الف ۵/۱۲۹ - شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه

فوتبالیست جوان به اتهام قتل همسرش در محله نظام آباد تهران تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار مسا، طهر دیروز قاضی ایلخانی باز پرس ویژه قتل دادسرای جنایی تهران با تماس مأموران کلانتری نارمک از قتل زن جوانی در خانه‌اش حوالی میدان تسلیحات در خیابان نظام‌آباد با خبر و همراه کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. محل حادثه ساختمان چند طبقه مسکونی بود که تیمم جنایی در محل پذیرایی یکی از واحدهای آپارتمان با جسد زن ۲۸ساله‌ای به نام شهلا روبرو شد و بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت شوهرش از محل گریخته است.

تحقیقات بعدی نشان داد مقتول یک سالل قبل با پسر عمویش ازدواج کرده است و شوهرش هم عضو تیم فوتبال یکی از باشگاه‌های تهران است. پزشکی قانونی در نخستین معاینات اعلام کرد، شهلا حدود ساعت ۱۷

حجرات

سرویس حوادث ۴۸۴۹۸۴۳۵

فرار فوتبالیست پس از کشته شدن همسر

عصر روز قبل به قتل رسیده است. همچنین مشخص شد مقتول کارمند یکی از دفاتر ثبت اسناد است و روز حادثه پس از برگشت از محل کارش با شوهرش درگیری داشته و بعد از آن به قتل رسیده است.

یکی از مأموران گفت: دقایقی قبل مردی با اداره پلیس تماس گرفت و اعلام کرد دخترش در خانه‌اش به قتل رسیده است. وقتی به محل حادثه رسیدیم با جسد این زن روبرو شدیم که معلوم بود خفه شده است. پدر مقتول گفت: یک سال قبل برادرزاده‌ام با دخترم ازدواج کرد. آنها زندگی خوبی داشتند تا اینکه متوجه شدم با هم اختلاف پیدا کرده‌اند. پس از این تلاش کردم اختلاف آنها را حل کنم، اما هرگز فکر نمی‌کردم دامادم مرتکب قتل شده باشد.

وی ادامه داد: شب قبل با دخترم تماس گرفتم، اما او جواب نداد. فکر کردم خواب است تا اینکه ساعتی قبل دوباره با او تماس گرفتم، اما باز هم جواب نداد. سپس با محل کارش تماس گرفتم که یکی از کارکنان گفت دخترم

به خانه من آمد و با هم بودیم تا اینکه یکی از دوستان مشترکمان وارد خانه شد و به سوی هر دوی ما اسید پاشید و ما هم بلافاصله به بیمارستان آمدم.
اماسمیه وقتی تحقیق شد حرفهای پسر موردعلاقمش را انکار کرد و گفت: لحظه حادثه با وحید در خانه تنها بودم. ما باهم مشاجره لفظی می‌کردیم که ناگهان وحید بطری اسیدی را برداشت و به طرف من پاشید و اسید هر دو نفر ما را به شدت سوزاند.

بررسی‌های بیشتر حکایت از آن داشت این اتفاق در خانه وحید که حوالی کوی فراز در خیابان میناست، رقم خورده و اداعی وحید دروغ است و نفر سومی در محل حضور نداشته است. بنابراین مأموران بار دیگر از پسر و دختر جوان تحقیق کردند.

■ **طرح ادعای تازه**
وحید این بار در ادعای جدیدی گفت: من و سمیه رابطه عاشقانه‌ای داشتیم. ما یکدیگر را دوست داشتیم و قرار بود باهم ازدواج کنیم. شب حادثه او به خانه من آمد که به خاطر موضوعی با هم مشاجره لفظی کردیم، اما ساعتی گذشتیم و قرار بود باهم ازدواج کنیم. عصر روز قبل سمیه بعد همه چیز تمام شد و با هم آشتی کردیم. پس از اینکه

امروز به محل کارش نرفته است. به همین دلیل نگرانش شدم و احتمال دادم برای او اتفاقی افتاده باشد. بلافاصله به در خانه‌اش آمدم. وقتی در را باز نکرد با کمک همسایه‌ها قفل در خانه‌اش را تخریب کردم و وارد خانه‌اش شدمیم و با این صحنه هولناک روبرو شدم.

یکی از همسایه‌ها هم گفت: هفت ماه است که مقتول و شوهرش به این خانه آمده‌اند. در این مدت ما همیشه صدای مشاجره و درگیری آنها را می‌شنیدیم. این زن و شوهر همیشه با هم درگیری داشتند تا اینکه ساعت ۱۷ عصر دیروز صدای درگیری شدید آنها شنیده می‌شد، اما من فکر کردم آنها مثل همیشه با هم درگیر شده‌اند و بعد هم آشتی می‌کنند.

وی ادامه داد لحنطانی بعد از این صدا، شوهر مقتول را دیدم که از خانه خارج شد و دیگر باز نگشت. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس به دستور قاضی ایلخانی تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری مظنون اصلی این حادثه آغاز کردند.

اسیدپاشی با انگیزه مبهم بسیاری از روابط نامشروع به پرونده‌های جنایی ختم می‌شود

شام خوردیم. من روی تختم دراز کشیده بودم تا اینکه خوابم گرفت که ناگهان در خواب احساس کردم صورتم آتش گرفت و با فریاد ای سوختم از خواب بیدار شدم و مشاهده کردم سمیه طرف پلاستیکی اسیدی که از قبل روی میز گذاشته بودم به صورتم پاشیده و قصد دارد بقیه مایع اسیدی را هم دوباره به بدن من بپاشد در این لحظه که درد عجبیی تمام بدنم را گرفته بود، بطری اسید را از دستش گرفتم که مقداری از مایع اسیدی هم به صورت سمیه پاشیده شد و او هم دچار سوختگی شد. سپس در حالی که هر دوی ما از شدت سوختگی فریادمان به آسمان بلند شده بود یا خودروی پژو ۲۰۶ من به بیمارستان آمدم.

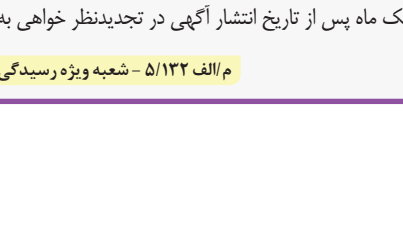
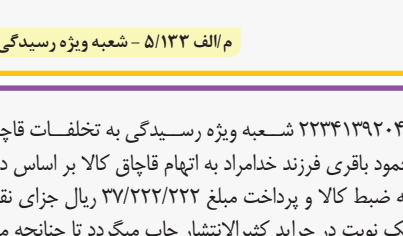
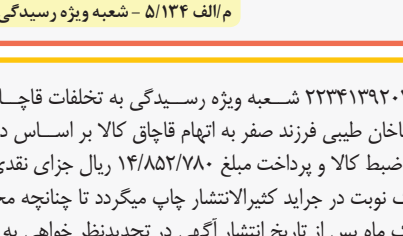
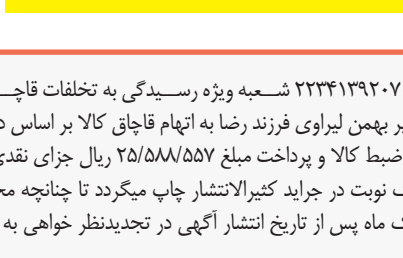
ماجرای زان سمیه

سمیه هم در ادعای دیگری گفت: من شهرستانی هستم و چندین سال است که به تهران آمده‌ام. سه سال قبل با وحید دوست شدم و به هم علاقه‌مند شدیم. ما با هم قرار ازدواج داشتیم و به همین دلیل هم به خانه‌اش رفت و آمد داشتیم. عصر روز چهارم فردی با وحید تماس گرفت که بعد فهمیدم یکی از دوستان مشترکمان به نام

نقشه شوم ۲ برادر برای اخاذی از مردان

راه به زور سوار ماشین خودشان کردند. گفتند که می‌خواهند من راه اداره پلیس منتقل کنند. در طول مسیر پول‌ها، کارت اعتباری‌کم و رمز آن را گرفتند. بعد من را از ماشین بیرون انداختند و از محل دور شدند. آنجا بود که متوجه شدم مأموران قلابی هستند. آنها یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان از حسابم برداشت کرده‌اند و شکایت دارم. در حالی که هر روز بر تعداد شکایات‌ها اضافه می‌شد کار آگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی مأمور رسیدگی به پرونده شدند. بررسی شکایات‌ها حکایت از این داشت که بیشتر ملاقات‌های اعضای باند کنار پمپ بنزین انجام می‌شود بنابراین محل تردد به‌طور نامحسوس تحت نظر مأموران پلیس قرار گرفت. یازدهم اسفندماه بود که آخرین تماس با زن جوان برقرار شد. ساعتی بعد هم زن جوان برای ملاقات با مردی که با او تماس گرفته بود، کنار پمپ بنزین حاضر شد. مطابق معمول آنها در حال حرف زدن بودند که یک خودروی سوناتیای مشکی با دو سرنشین به آنها نزدیک شد. وقتی دو مأمور قلابی از خودروی خود پیاده شدند تا نقشه‌ش خود را تکرار کنند، همراه زن جوان بازداشت شدند.

بررسی‌های اولیه کار آگاهان نشان داد که دو مأمور قلابی سعید و مهدی برادر هستند. زن جوان هم که ناھید نام داشت، همسر مهدی بود که در نقش طعمه وارد می‌شد و سناریوی زورگیری از مردان به اجرا در می‌آمد. ناھید در اولین تحقیقات اقرار کرد که ده‌ها بار به این شیوه از مردان



قرار آدمربایان ناشی با مأموران پلیس

دو مرد آدمریا وقتی مردی را گروگان گرفتند فکر نمی‌کردند برای دریافت پول با مأموران پلیس قرار

گذاشته‌اند.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز دو متهم به نام‌های شهرام ۲۶ ساله و ایرج ۲۲ ساله که متهم هستند نیمه‌های شب ۱۱ فروردین ماه در مرد جوان افغانسی را به خاطر ۲ میلیون تومان ربوده‌اند، برای بازجویی به شعبه چهارم باز پرس‌ی دادسرای جنایی منتقل شدند. شهرام و ایرج نیمه شب مرد افغانی را به عنوان مسافر سوار بر خودروی سمند کردند و با تهدید او را ربودند. قرار بود ساعتی بعد یکی از بستگان گروگان ۲ میلیون برای آزادی مرد افغان در یکی از خیابان‌های شرق تهران به آدمرباها تحویل دهد. دو متهم ساعت ۲ بعداز ۱۲ فروردین وقتی برای گرفتن پول سر قرار حاضر شدند، فکر نمی‌کردند بازیری کی گروگان با مأموران پلیس قرار گذاشته‌اند.

مرد ۲۷ ساله افغانی در طرح شکایت خود به قاضی آرش سیفی گفت: ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه‌شامگاه ۱۱ فروردین ماه بود که در حوالی میدان رهبر در تهرانپارس به عنوان مسافر سوار خودروی سمند مشکی شدم که علاوه بر راننده، مرد جوانی به سه عنوان مسافر در صندلی عقب نشسته بود. هنوز مسافت زیادی را طی نکرده بودیم که مسافر جلویی که ایرج نام‌دار، خودش را به صندلی عقب پرتاب کرد و قاچویی به پهلویم گذاشت و تهدید کرد هیچ حرکتی نکنم. همان لحظه فهمیدم در دام دو مرد آدمربا گرفتار شده‌ام. اما از ترس کاری انجام ندادم. آنها با تهدید خواستند هر چه پول و اشیای قیمتی دارم به آنها بدهم و من هم ۱۶۰ هزار تومان پول نقد و کارت اعتبارم را به آنها دادم، اما دو مرد آدمربا گفتند که برای آزادی‌ام باید ۲ میلیون تومان به آنها بدهم. بعد از این با تلفن خودم با برادرم تماس گرفتم و گفتم دو مرد مرا گروگان گرفته‌اند و جانم در خطر است و درخواست ۲ میلیون تومان پول دارند. من با زبان افغانی به برادرم گفتم که با صاحب کارمان به اداره پلیس بروند و مأموران را در جریان قرار دهند. پس از این آدمربایان مرا به طرف جاده جاجرد بردند و چند ساعتی در خیابان‌ها گشتیم و در این مدت چند بار با برادرم تماس گرفتم تا اینکه به آنها گفتیم برادرم پول را فراهم کرده و آدمربایان با او قرار گذاشتند تا ۲ میلیون تومان را بگیرند و مسرا آزاد کنند. ما در بلساز پروین قرار گذاشتیم، اما وقتی سرقرار رسیدیم، آنها متوجه مأموران پلیس شدند و اقدام به فرار کردند. بدین ترتیب تعقیب و گریز مأموران و آدمربایان رقم خورد. مأموران با شلیک چند تیر به آنها دستور است دادند، اما راننده قاچویی نکرد و دو قصد داشت از رود خودرو به داخل خیابان پرتاب کند. در این لحظه من دست راننده را گرفتم، راننده هم کنترل خودرو را از دست داد و خودروی کمپونی که کنار خیابان پارک بود، تصادف کرد. پس از تصادف دو متهم اقدام به فرار کردند که با تیر اندازی مأموران به دام افتادند.

در ادامه دو متهم در حالی که گر به امشان نمی‌داد، مقابل قاضی سیفی قرار گرفتند و به جرم خود اقرار کردند. شهرام در ادعایی گفت: من راننده اژانس هستم. سه سال است که پدرم به اتهام حمل مواد مخدر در زندان است. من با مادرم زندگی می‌کنم و تا کنون مرتکب هیچ جرمی نشده‌ام و الان هم بشیشام هستم. وی در ادامه گفت: شب حادثه من با پایان مهمانی در راه برگشت به خانه بودیم که شاکي به عنوان مسافر سوار بر خودروی ما شد. وقتی دیدم مسافر افغانی است وسوسه شدم او را برپایم‌او از او اخاذی کنم. من ابتدا درهای خودرو را قفل کردم و بعد به ایرج اشاره کردم و ایرج هم خودش را به صندلی عقب رساند. ما او را تهدید کردیم که برای آزادی‌اش ۲ میلیون به ما بدهد و شاکي هم با تلفن همراهش با فردی تماس گرفت و گفت به زودی پول را آماده می‌کنند. سه ساعت بعد او گفت که پول حاضر است و ما هرگز فکر نمی‌کردیم که برای گرفتن پول با مأموران پلیس قرار گذاشته‌ایم.

وی در پایان گفت: ما فقط او را کتک زدیم و اصلاً قاچویی نداشتمیم و الان هم در خواست بخشش داریم. ایرج هم گفت: من دانشجوی هستم. شب حادثه قرار بود شهرام مرا به خانه‌مان برساند که شاکي سوار خودرو شد. شهرام وسوسه شد و نقشه آدمربایی را طرح کرد. ما سه ساعت در خیابان‌ها دور دور زدیم به امیدکنه مرد افغانی به ما ۲ میلیون تومان بدهد، اما او بازیری ما را تحویل مأموران پلیس داد. دو متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی سیفی در اختیار کار آگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

آگهی ابلاغ دادنامه
نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۰۰۰۱۶۰۰۰۰۱۳۹۲۰۲۳۳۴ شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه آقای امیر بهمن لیلراوی فرزند رضا به اتهام قاچاق کالا بر اساس دادنامه شماره ۲۲۳۵۱۳۹۳۰۰۰۲۴۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۹ و پرداخت مبلغ ۲۵/۵۸۷/۵۵۷ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است و در حال حاضر مجهول‌المکان میباشد لذا مراتب یک نوبت در جراید کنیروالانتشار چاپ میگردد تا چنانچه محکوم علیه نسبت به دادنامه اصداری اعتراض دارد لایحه اعتراضیه خود را تکمیل و حداکثر بمدت یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی در تجدیدنظر خواهی به دفتر این شعبه تقدیم در غیر اینصورت رای صادره قطعی و لازم الاجرا میگردد.
م/الف ۵/۱۳۴ - شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه

آگهی ابلاغ دادنامه
نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۰۵۰۰۰۰۲۰۱۳۹۲۰۲۳۳۴ شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه آقای باباخان طیبی فرزند صفر به اتهام قاچاق کالا بر اساس دادنامه شماره ۲۲۳۵۱۳۹۳۰۰۰۲۶۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ و ضبط کالا و پرداخت مبلغ ۱۴/۸۵۲/۷۸۰ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است و در حال حاضر مجهول‌المکان میباشد لذا مراتب یک نوبت در جراید کنیروالانتشار چاپ میگردد تا چنانچه محکوم علیه نسبت به دادنامه اصداری اعتراض دارد لایحه اعتراضیه خود را تکمیل و حداکثر بمدت یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی در تجدیدنظر خواهی به دفتر این شعبه تقدیم در غیر اینصورت رای صادره قطعی و لازم الاجرا میگردد.
م/الف ۵/۱۳۳ - شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه

آگهی ابلاغ دادنامه
نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۰۰۰۰۲۳۰۰۰۰۲۳۳۴۳۳۹۲۰ شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه آقای محمود باقری فرزند خداهماد به اتهام قاچاق کالا بر اساس دادنامه شماره ۲۲۳۵۱۳۹۳۰۰۰۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ و ضبط کالا و پرداخت مبلغ ۳۷/۲۲۲/۲۲۲ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم گردیده است و در حال حاضر مجهول‌المکان میباشد لذا مراتب یک نوبت در جراید کنیروالانتشار چاپ میگردد تا چنانچه محکوم علیه نسبت به دادنامه اصداری اعتراض دارد لایحه اعتراضیه خود را تکمیل و حداکثر بمدت یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی در تجدیدنظر خواهی به دفتر این شعبه تقدیم در غیر اینصورت رای صادره قطعی و لازم الاجرا میگردد .
م/الف ۵/۱۳۳ - شعبه ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان ایذه